

## عنوان مقاله:

تلاشی برای فهم هستیشناختی معماری (با استعانت از تجارب عرفانی ابن عربی)

## محل انتشار:

ماهنامه باغ نظر، دوره 18، شماره 94 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسنده:

مهسا رحمانی - استاد مدعو دانشگاه علم و فرهنگ تهران

## خلاصه مقاله:

بیان مسئله: بر همگان روشن است که معماری اصیل اسلامی ایران، پس از گذشت قرن‌ها، همچنان تفرجگاه عین و ذهن است. هنگام بررسی تاثیرگذاری و مطلوبیت مستمر این معماری، یکی از مواردی که بسیار مهم جلوه میکند وجود صورتهایی است که در آثار این معماری به‌وفور دیده میشوند. به نظر میرسد که برخی از این اشکال و صورتهای همواره اعتبار و اصالت دارند و از معانی خاصی سخن میگویند؛ اما به نسبت و رابطه حقیقی بین این صور و معانی (با نگاهی هستیشناختی) در ادبیات نظری مرتبط با آثار معماری اسلامی کمتر پرداخته شده است. هدف پژوهش: هدف مقاله حاضر آن است که با استعانت از پشتوانه غنی عرفان اسلامی (مکتب فکری ابن عربی) تا حد ممکن زمینهای برای فهم نسبت حقیقی بین صور و معانی معماری فراهم آورد و، در افقی کلیتر، از رهگذر خوانش منابعی از عرفان اسلامی، برای فهم حقیقت معماری تلاش کند. روش پژوهش: روش این پژوهش استنادی و استنباطی است و «راهبرد» اصلی آن بر «استدلال منطقی» تکیه دارد. نتیجه‌گیری: با ابتنا بر آنچه از سپهر عرفان ابن عربی مستفاد میشود، یک اثر معماری نیز همچون کلیت پدیده‌های عالم میتواند زنده و ذومراتب باشد و بساطتی طولی در نظام هستی داشته باشد: از مرتبه ماهوی یا باطنی تا نمود بیرونی یا ظاهری. در این میان، باطن یا «جان معماری» را میتوان برابر با صورت مجرد آن در عالم ماهیات در نظر گرفت که بدون شکل و ماده است و مبدا وجودی معماری به شمار میآید؛ این ماهیت تعیینکننده میزان زندگی اثر است و بهنوعی علت وجودیاش به شمار میرود؛ پس میزان زندگی آثار معماری نسبی است. «جسم معماری» نیز برابر با ظهور اثر در عالم محسوس و در کالبد مادی است. این مراتب صوری و معنایی با یکدیگر وابستگی، سنخیت و ربط وجودی دارند و، بهمثابه حلقه‌های یک زنجیر، توامان در یک اثر معماری حاضرند. نکته دیگر آنکه مخلوق انسان، از جمله معماری، از باور درونی و نحوه نگرش وی به جهان هستی متأثر است. در حوزه عرفان، فهمی از عالم و پدیده‌های آن ارائه میشود که در آن حضور حقیقت مطلق در لایه‌های پیدا و پنهان نقش اصلی را ایفا میکند. پس از آنجا که انسان پرورش یافته با هستیشناسی اسلامی با بینش طولی خود عالم را ذومراتب مبیند، معماری اسلامی نیز به‌صورت زنجیرهای طولی دیده میشود که صورت محسوس آن با باطن و معنایش رابطهای طولی و نسبتی وجودی پیدا میکند. ضمن آنکه، در این نگاه، صورتهای معماری در ارتباط و تعامل با مبدا هستی تفسیر میشوند، و همانند تمام دیگر پدیده‌ها فضیلت معماری نیز بهره‌بردن کامل از وجود و انصاف به درجه بالایی از زندگی است. در واقع میتوان گفت که معماران مسلمان، در تطابق با معارف هستیشناختی مد نظر خود، تلاش میکنند که از مجرای خلق اثری زنده و کمالیافته نقشپرداز حقیقت شوند و معانی وجودی و تکوینی را در قالب صور مناسب و مطلوب بیان کنند.

## کلمات کلیدی:

وجود، معنا، صورت، معماری، هستیشناسی ابن عربی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1189052>



